



From #Homeland to the Digital Narrative of the Twelve-Day War: A Netnographic Analysis of Instagram Users' Captions

Ailar Bayani Gili , PhD Candidate in Communication Sciences, Department of Communication Sciences, Faculty of Business and Management, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran. Email: ailar.bayani@iau.ac.ir

Fa' Taghipour , Associate Professor, Department of Communication Sciences, Faculty of Business and Management, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran. (Corresponding Author) Email: f.taghipour58@iau.ac.ir

Ar. Ar. Naghsh , Associate Professor, Department of Communication Sciences, Faculty of Business and Management, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran. Email: ar.naghsh@iau.ac.ir

Extended Abstract

Introduction: The expansion of social media has transformed the ways political crises, conflicts, and wartime experiences are represented and interpreted. War is no longer narrated solely by official institutions or legacy media; users also participate in the production of meaning through captions, images, hashtags, and everyday digital interactions. Among social media platforms, Instagram has emerged as a significant space for expressing emotion, identity, memory, and collective belonging. Its visual-textual architecture enables users not only to document events but also to frame them symbolically and affectively. This study examines the digital narrative of the Twelve-Day War through Instagram captions posted under the hashtags “Homeland,” “Iran,” and “War.” It draws upon the intersection of netnography, digital storytelling, and hashtag-based meaning-making. From this perspective, hashtags are not merely classificatory tools; they function as discursive nodes that connect dispersed posts to shared interpretations and collective emotions. The study asks how users constructed a networked narrative of the war and how their captions represented national identity, attachment to homeland, solidarity, martyrdom, resistance, ethical judgment, and the lived experience of crisis.

Methods: This study employed a qualitative netnographic approach. Netnography was selected because it enables an in-depth examination of cultural expression, symbolic practices, and social interaction within digitally mediated environments. The field of study consisted of publicly accessible Instagram captions posted during the Twelve-Day War under the selected hashtags. Purposive sampling was employed. Captions were included if they related to the wartime period, referred directly or indirectly to the conflict, and contained sufficient textual depth for interpretation. Posts conveying emotional, symbolic, national, ethical, or experiential meanings were prioritized for analysis. Because the study focused on discourse and meaning-making, the caption served as the primary unit of analysis. Digital research ethics were observed by analyzing only publicly available posts, avoiding



interaction with users, and removing all identifying information. The data were analyzed using multilevel thematic analysis. Captions were read repeatedly and coded inductively. Similar codes were subsequently grouped into thematic clusters, which were then organized into broader identity-based, value-based, and symbolic dimensions. The analysis proceeded iteratively between the data, coding, and interpretation. Trustworthiness was enhanced through systematic coding, constant comparison, purposive variation, and thematic saturation.

Findings: Findings show that Instagram captions using the hashtags “Homeland,” “Iran,” and “War” have constructed diverse digital narratives of national identity and wartime experience. Under the “Homeland” hashtag, the nation is represented beyond its geographical territory as an emotional, historical, ethical, and symbolic construct, with national identity portrayed as a moral-emotional bond rather than an abstract concept. Resistance is framed not merely in military terms but as encompassing scientific, cultural, spiritual, and intergenerational dimensions, while martyrdom is depicted as a means of preserving collective memory and forging heroic identities. The captions also reveal dual ethical boundary-making, as some view silence during crisis as betrayal, whereas others prioritize unity and tolerance over differences—highlighting the heterogeneity of these digital war narratives. Under the “Iran” hashtag, the nation serves as the focal point of pride, mourning, and solidarity, and a key finding is that political criticism does not necessarily conflict with loyalty to Iran as a homeland and historical memory; these captions incorporate both religious sentiments and humanitarian concerns, such as women’s resilience and economic hardship. Finally, under the “War” hashtag, insecurity, fear, and psychological vulnerability are prominent, yet alongside these, hope, prayer, family support, and transnational empathy emerge as important sources of resilience.

Conclusion: The findings demonstrate that the examined hashtags functioned as infrastructures for collective meaning-making during the Twelve-Day War. Instagram users did not merely report events; they actively constructed a networked narrative through which fear, grief, resistance, sacrifice, criticism, hope, and national attachment were interpreted, negotiated, and shared. Instagram therefore operated as a platform for affective publics, collective memory, and the ongoing reconstruction of national identity. The study further suggests that the concept of “homeland” was reconstituted as a dynamic cultural formation rather than a fixed territorial entity. Through emotional language, symbolic references, moral judgments, and personal memories, users connected individual experiences to broader narratives of nationhood and crisis. In this respect, netnography proved particularly effective in uncovering the implicit cultural, symbolic, and discursive dimensions of wartime digital storytelling.

Keywords: Netnography, Instagram, Digital Narrative, Twelve-Day War, National Identity, Hashtag.



از هشتگ وطن تا روایت مجازی جنگ ۱۲ روزه مبتنی بر نتوگرافی کپشن‌های کاربران اینستاگرام

آی‌لار بیانی شهری^۱، فائزه نقی پور^۲، امیررضا نقش^۳

چکیده

گسترش شبکه‌های اجتماعی، شیوه‌های بازنمایی رخداد‌های سیاسی را دگرگون کرده است. این پژوهش با رویکردی کیفی و روش نتوگرافی، به تحلیل الگوهای معنایی روایت‌های کاربران اینستاگرام از «جنگ دوازده‌روزه» پرداخته است. داده‌ها از کپشن‌های حاوی هشتگ‌های «وطن»، «ایران» و «جنگ» گردآوری و با فرایند تحلیل مضمون بررسی شدند. یافته‌ها نشان می‌دهد روایت‌های کاربران حول مضامینی چون بازنمایی هویت ملی، احساس تعلق، همبستگی اجتماعی، عواطف جمعی و بازتعریف تجربه جنگ در فضای دیجیتال شکل گرفته است. نتایج حاکی از آن است که کاربران با بهره‌گیری از هشتگ‌ها و کپشن‌ها، روایتی جمعی از جنگ خلق کرده‌اند که در آن نمادهای ملی، عناصر احساسی و گفتمان مقاومت نقش محوری دارند. درنهایت، این پژوهش اثبات می‌کند اینستاگرام به بستری مهم برای تولید معنا و بازنمایی دیجیتال هویت ملی تبدیل شده است؛ به گونه‌ای که مطالعه نتوگرافیک این فضا، درکی عمیق‌تر از شیوه‌های روایتی در رسانه‌های اجتماعی و کنشگری کاربران در بحران‌های اخیر فراهم می‌آورد که شایان توجه است.

واژگان کلیدی

نتوگرافی، اینستاگرام، روایت دیجیتال، جنگ دوازده‌روزه، هویت ملی، هشتگ.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۴/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۴/۲۸

۱. دانشجوی دکتری گروه علوم ارتباطات دانشکده بازار و کسب و کار واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.
ailar.bayani@iaau.ac.ir

۲. گروه علوم ارتباطات، دانشکده بازار و کسب و کار، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.
(نویسنده مسؤول)
f.taghipour58@iaau.ac.ir

۳. گروه علوم ارتباطات، دانشکده بازار و کسب و کار، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.
ar.naghsh@iaau.ac.ir

مقدمه

گسترش رسانه‌های اجتماعی، شیوه تولید و بازنمایی روایت‌های اجتماعی و سیاسی را دگرگون کرده است. در این میان، اینستاگرام به بستری برای بیان تجربه‌های فردی و جمعی و نیز تولید معنا و روایت از سوی کاربران تبدیل شده است. در رویدادهای بحرانی، به‌ویژه جنگ، روایت‌ها دیگر تنها در رسانه‌های رسمی شکل نمی‌گیرند، بلکه کاربران عادی نیز از طریق تصاویر، هشتگ‌ها و کپشن‌ها در بازنمایی و تفسیر این رویدادها مشارکت می‌کنند. هشتگ‌ها نیز با پیوند دادن روایت‌های پراکنده، به شکل‌گیری روایت و حافظه جمعی در فضای مجازی کمک می‌کنند (Bruns & Burgess, 2021, p. 15).

این فرایند سبب شده مفاهیمی مانند هویت ملی، احساس تعلق به وطن و واکنش‌های عاطفی به جنگ، در قالب روایت‌های دیجیتال بازنمایی شوند. کاربران در اینستاگرام با انتشار کپشن‌ها و هشتگ‌ها، تجربه‌ها و احساسات خود را بیان می‌کنند و بدین ترتیب روایت‌هایی مشارکتی و چندصدایی پدید می‌آورند که اغلب با گفتمان‌های ملی و هویتی درهم‌تنیده است (Papacharissi, 2020, p. 42).

مطالعه این روایت‌ها نیازمند روش‌هایی است که تعاملات و فرهنگ‌های آنلاین را به‌صورت عمیق بررسی کنند. نتوگرافی، به‌عنوان روشی کیفی در محیط‌های دیجیتال، امکان تحلیل متون، تعاملات و معانی شکل گرفته در فضای مجازی را فراهم می‌سازد و برای بررسی روایت‌های کاربران درباره رویدادهای جنگی در شبکه‌های اجتماعی مناسب است (Kozinets, 2020, p. 25).

بر این اساس، پژوهش حاضر با استفاده از نتوگرافی، به تحلیل الگوهای روایی و معنایی موجود در کپشن‌های کاربران اینستاگرام درباره جنگ دوازده‌روزه می‌پردازد. داده‌های پژوهش از پست‌های دارای هشتگ‌هایی مانند «وطن»، «ایران» و «جنگ» گردآوری شده‌اند. هدف اصلی، تحلیل نحوه شکل‌گیری روایت مجازی این رویداد است و اهداف فرعی آن شامل شناسایی مضامین اصلی، استخراج کدهای مفهومی مرتبط با وطن، ایران و جنگ و تحلیل بازنمایی هویت ملی و احساسات جمعی در این روایت‌هاست. بر این اساس، پرسش اصلی پژوهش چنین طرح می‌شود: روایت مجازی جنگ دوازده‌روزه در کپشن‌های کاربران اینستاگرام چگونه شکل می‌گیرد؟

مبانی نظری پژوهش

پژوهش حاضر در تلاقی سه حوزه نظری نتوگرافی، روایت‌گری دیجیتال و کارکرد

هشتگ‌ها در شکل‌دهی به عموم‌های عاطفی و جمعی قرار می‌گیرد. این سه حوزه امکان فهم این مسئله را فراهم می‌کنند که کاربران اینستاگرام چگونه در مواجهه با رخدادهای بحرانی، به‌ویژه جنگ، از طریق کپشن‌ها، هشتگ‌ها و بازنمایی‌های چندرسانه‌ای، معناهای تازه‌ای درباره وطن، ایران و تجربه جمعی خشونت تولید می‌کنند. نتنوگرافی، به‌عنوان صورت بسط‌یافته قوم‌نگاری در محیط‌های آنلاین، روشی مناسب برای مطالعه فرهنگ‌های دیجیتال، تعاملات کاربران و الگوهای معناسازی در شبکه‌های اجتماعی است. در نسخه‌های جدید این رویکرد، نتنوگرافی صرفاً به مشاهده رفتار آنلاین محدود نیست، بلکه چارچوبی برای تحلیل مشارکت، هویت، کنش متقابل و شکل‌گیری اجتماع‌های معناساز به شمار می‌رود (Kozinets, 2024). از این منظر، داده‌های اینستاگرامی نه فقط متن‌هایی پراکنده، بلکه نشانه‌هایی از فرهنگ زیسته کاربران در یک موقعیت ارتباطی خاص هستند.

روایت در فضای دیجیتال نیز ساختاری شبکه‌ای، تعاملی و وابسته به زمینه دارد، نه خطی و یک‌سویه (Beam, 2015). در این فضا، کاربر هم‌زمان در مقام راوی، مخاطب، مفسر و بازتولیدکننده معنا عمل می‌کند (Kozinets, 2020). روایت‌های دیجیتال همچنین با احساسات، هویت‌ها و کنش‌های جمعی پیوند می‌خورند و از طریق متن‌های کوتاه، تصویر، نشانه، کامنت و هشتگ در گردش‌اند (Bruns & Burgess, 2021). مطالعات جدید نشان می‌دهند که شبکه‌های اجتماعی فقط بستر انتقال اطلاعات نیستند، بلکه حافظه، هویت و افق‌های مشترک معنا را نیز سازمان می‌دهند. در این چارچوب، روایت‌های برخط می‌توانند در بازسازی و تثبیت هویت‌های جمعی نقش داشته باشند. از همین رو، «وطن» و «ایران» در کپشن‌های کاربران صرفاً ارجاعی جغرافیایی نیستند، بلکه به تولید معناهای هویتی و حافظه‌مند مربوط می‌شوند (Kianpour et al., 2025).

هشتگ‌ها نیز فراتر از ابزار برچسب‌گذاری، به شکل‌گیری میدان‌های معنایی مشترک کمک می‌کنند و می‌توانند یک موضوع را از سطح تجربه فردی به سطح گفت‌وگوی عمومی و جمعی ارتقا دهند. در ادبیات عموم‌های دیجیتال، هشتگ‌ها از ابزارهای اصلی شکل‌گیری عموم‌های عاطفی‌اند؛ یعنی فضاهایی که در آن احساس، واکنش و معنا در کنار هم سازمان می‌یابند (Bruns & Burgess, 2021). در این پژوهش، هشتگ‌های «وطن»، «ایران» و «جنگ» از این منظر معنادارند، زیرا هم بار عاطفی دارند و هم به مرزبندی‌های هویتی و صورت‌بندی‌های سیاسی-فرهنگی کمک می‌کنند. اینستاگرام نیز به‌سبب ماهیت بصری و نوشتاری هم‌زمان خود، بستر ویژه‌ای برای

بازنمایی رخداد‌های بحرانی و معناسازی هویتی است. در این فضا، کپشن‌ها نقش تفسیرگر دارند و تصویر را در چارچوبی عاطفی، سیاسی یا فرهنگی معنا می‌کنند. از این رو، پژوهش حاضر بر این فرض استوار است که کپشن‌های اینستاگرامی در مواجهه با جنگ، حامل نوعی روایت مجازی و جمعی‌اند که از طریق هشتک‌ها سازمان می‌یابد و در قالب نتوگرافی قابل مطالعه است. در این چارچوب، واژگانی چون وطن، ایران و جنگ به کانون‌های تولید معنا و همبستگی در فضای اینستاگرام بدل می‌شوند.

پیشینه پژوهش

از اوایل دهه ۲۰۲۰، پژوهش‌های رسانه‌های اجتماعی از بررسی صرف کارکردهای ارتباطی فراتر رفتند و به تحلیل نقش پلتفرم‌ها در تولید معنا، هویت، عاطفه و حافظه جمعی پرداختند. در این چارچوب، کیم، سونگ و لی (۲۰۲۰)^۱ نشان دادند که هشتک‌ها در اینستاگرام می‌توانند در سازمان‌دهی واکنش‌های جمعی و شکل‌گیری گفت‌وگوهای اجتماعی نقش‌آفرین باشند. این یافته برای پژوهش حاضر مهم است، زیرا نشان می‌دهد هشتک‌هایی مانند «وطن»، «ایران» و «جنگ» نیز می‌توانند تجربه‌های پراکنده کاربران را به میدان معنایی مشترکی پیوند دهند.

در ادامه، برونز و برجس^۲ (۲۰۲۱) با تأکید بر نقش هشتک‌ها در شکل‌دهی عموم‌های عاطفی نشان دادند که هشتک‌ها فقط ابزار دسته‌بندی محتوا نیستند، بلکه در تولید معنا، هم‌حسی جمعی و سازمان‌دهی روایت‌های آنلاین نقش دارند. از این منظر، روایت‌های مجازی جنگ در شبکه‌های اجتماعی می‌توانند از خلال پیوند میان متن، تصویر و هشتک شکل بگیرند.

از سال ۲۰۲۲ به بعد، توجه پژوهش‌ها بیش از پیش به پیوند رسانه‌های اجتماعی با کنش‌گری، هویت‌سازی و مقاومت نمادین معطوف شد. در این زمینه، کوئو و جکسون^۳ (۲۰۲۴) نشان دادند که حافظه جمعی در اینستاگرام می‌تواند به ابزاری برای تولید همبستگی، معنا و کنش جمعی تبدیل شود. این نکته برای مطالعه حاضر اهمیت دارد، زیرا در روایت‌های جنگی نیز کاربران از طریق کپشن‌ها و هشتک‌ها، رنج مشترک، تعلق جمعی و مرزهای هویتی را بازنمایی می‌کنند.

همچنین، کاروالیو و باربوسا^۴ (۲۰۲۳) نشان دادند که هشتک‌ورزی در شبکه‌های

1. Kim, Song, & Lee
2. Bruns & Burgess
3. Kuo & Jackson
4. Carvalho & Barbosa

اجتماعی فراتر از یک ابزار فنی، به شکل‌گیری اجتماع معنادار و پیوندهای نمادین میان کاربران کمک می‌کند. این دیدگاه برای پژوهش حاضر اهمیت دارد، زیرا نشان می‌دهد هشتگ‌های مرتبط با وطن و جنگ می‌توانند بستر تولید معنا و همبستگی عاطفی در شرایط بحران باشند.

در حوزه بازنمایی جنگ، ونتورا^۱ (۲۰۲۴) نشان داد که اینستاگرام در شرایط جنگ فقط رسانه‌ای برای اطلاع‌رسانی نیست، بلکه بستری برای بازنمایی رنج، مقاومت، هویت ملی و مشروعیت سیاسی است. این یافته نشان می‌دهد که روایت جنگ در اینستاگرام می‌تواند هم در سطح رسمی و هم در سطح کاربران عادی، از طریق تصویر، کپشن و هشتگ ساخته شود.

در ادامه این روند، آدریانسن و اسمیت^۲ (۲۰۲۵) تأکید کردند که رسانه‌های اجتماعی تنها بازتاب‌دهنده حافظه جمعی نیستند، بلکه در شکل‌گیری و گردش آن نقشی فعال دارند. در نتیجه، هشتگ‌ها و کپشن‌های مرتبط با «وطن»، «ایران» و «جنگ» را می‌توان حامل حافظه عاطفی، ملی و جمعی دانست.

با توجه به اهمیت روزافزون فضای مجازی و رسانه‌های اجتماعی در بازنمایی رخدادهای سیاسی و اجتماعی، پژوهش‌ها به سمت تحلیل عمیق‌تر نقش این پلتفرم‌ها در شکل‌دهی به روایت‌های جمعی و هویت ملی سوق یافته‌اند. در این راستا، مقاله «چالش‌های دیپلماسی سایبری در ایران» (نقیب‌السادات، ۱۴۰۴) با تمرکز بر موانع و فرصت‌های تعامل ایران در فضای دیجیتال، به مسائلی چون تحریم‌های فناورانه، تهدیدات سایبری و چالش‌های حکمرانی فضای مجازی، از جمله فیلترینگ، پرداخته است. این یافته‌ها بستری مهم برای درک محدودیت‌ها و ظرفیت‌های کنشگری کاربران در پلتفرم‌های آنلاین فراهم می‌آورد. تحقیق حاضر با در نظر گرفتن این چالش‌های کلان، به بررسی چگونگی شکل‌گیری روایت‌های کاربران از «جنگ دوازده‌روزه» در اینستاگرام می‌پردازد و نشان می‌دهد چگونه کاربران با استفاده از ابزارهای موجود در این فضا، به بازتعریف هویت ملی و تجربه جمعی خود در مواجهه با رخدادها می‌پردازند.

سرانجام، اوکتم و کورت^۳ (۲۰۲۶) نشان دادند که تعلق ملی در پلتفرم‌های دیجیتال امری ثابت نیست، بلکه از طریق محتواهای کاربرساخته، هشتگ‌ها و بازنشرها بازتعریف می‌شود. بر این اساس، می‌توان گفت روایت‌های اینستاگرامی مرتبط با جنگ نیز در

پیوند با فرایند بازسازی هویت ملی و تجربه جمعی بحران شکل می‌گیرند. در مجموع، پیشینه پژوهش از ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۶ نشان می‌دهد که مطالعات رسانه‌های اجتماعی به تدریج از تحلیل کلی پلتفرم‌ها به سوی بررسی هشتگ، حافظه، هویت و روایت جنگ حرکت کرده‌اند. با این حال، هنوز پژوهش اندکی به طور هم‌زمان به کپشن‌های اینستاگرام، هشتگ‌های «وطن»، «ایران» و «جنگ» و بازنمایی جنگ به مثابه روایت مجازی پرداخته است. از این رو، پژوهش حاضر با رویکرد نئوگرافی می‌کوشد نشان دهد کاربران اینستاگرام چگونه از طریق کپشن‌ها و هشتگ‌ها، روایت مجازی جنگ دوازده‌روزه را در پیوند با هویت ملی و حافظه جمعی می‌سازند.

روش پژوهش

این پژوهش با رویکرد کیفی و بر پایه روش نئوگرافی انجام شده است. نئوگرافی، به مثابه امتداد قوم‌نگاری در بسترهای دیجیتال، روشی نظام‌مند برای مشاهده، ثبت و تحلیل کنش‌ها، معناسازی‌ها و الگوهای مشارکت کاربران در محیط‌های آنلاین فراهم می‌آورد. در صورت‌بندی‌های جدید، این روش صرفاً ابزار مشاهده نیست، بلکه چارچوبی تفسیری برای فهم پیوند میان تجربه زیسته، تولید محتوا، تعاملات پلتفرمی و معناپردازی جمعی محسوب می‌شود. در همین راستا، رویکرد نئوگرافی تحول‌گرا نیز بر پیوند میان بازنمایی، رسانه‌های اجتماعی و کنش پژوهش‌گرانه مشارکتی تأکید دارد (Kozinets, Kavousi Oglu, & Black, 2024).

با توجه به اینکه در شرایط بحرانی، رسانه‌های اجتماعی به عرصه بازنمایی تجربه جمعی و شکل‌گیری روایت‌های رقابتی تبدیل می‌شوند، نئوگرافی روشی مناسب برای تحلیل واکنش‌های کاربران در چنین موقعیت‌هایی به شمار می‌آید. همچنین، پژوهش‌های پیشین نشان داده‌اند که تحلیل هشتگ‌ها در رخدادهای بحران‌محور می‌تواند به شناسایی چارچوب‌های روایی، الگوهای عاطفی و جهت‌گیری‌های گفتمانی کاربران کمک کند و هشتگ‌ها را می‌توان به عنوان واحدهایی معنادار برای مطالعه کنش جمعی و سازمان‌دهی معنا در فضای آنلاین در نظر گرفت (La Rocca & Boccia Artieri, 2022).

داده‌های این پژوهش شامل کپشن‌های عمومی منتشرشده در اینستاگرام ذیل هشتگ‌های مرتبط با جنگ ۱۲ روزه بود. اینستاگرام، به‌ویژه از طریق کپشن‌ها و هشتگ‌ها، بستری مهم برای تولید روایت‌های کوتاه، احساسی و موقعیت‌مند

درباره رخدادهای اجتماعی و سیاسی فراهم می‌کند. بر این اساس، پس از شناسایی هشتگ‌های پرتکرار و فعال، هشتگ‌های «وطن»، «ایران» و «جنگ» به‌عنوان میدان‌های گفتمانی اصلی انتخاب شدند؛ زیرا بیشترین تراکم روایت‌های احساسی، بازنمایی‌های هویتی و واکنش‌های کاربران را در بازه مورد مطالعه دربر داشتند.

فرایند گردآوری داده‌ها مطابق اصول اخلاق پژوهش دیجیتال انجام گرفت؛ بدین معنا که تنها داده‌های عمومی مشاهده و ثبت شدند و هیچ‌گونه تعامل مستقیم، مداخله یا شناسایی کاربران صورت نگرفت. در مرحله آماده‌سازی نیز کپشن‌ها ثبت، پاک‌سازی و در قالب جدول کدگذاری سامان‌دهی شدند تا امکان تحلیل تفسیری و مقایسه‌ای آن‌ها فراهم شود. این ملاحظات با تأکیدهای مطرح‌شده در پژوهش‌های جدید نتنوگرافیک درباره حفظ حریم خصوصی، شفافیت در استفاده از داده‌های عمومی و پرهیز از مداخله پژوهشگر هم‌سو است (Kessler, Marino, & Liska, 2023).

اعتبار و پایایی

به‌منظور تضمین اعتبار و پایایی این پژوهش نتنوگرافیک و با هدف تقویت انسجام تفسیری، مجموعه‌ای از تمهیدات روش‌شناختی اتخاذ شد. نخست، نمونه‌گیری هدفمند از کپشن‌های دوره جنگ ۱۲ روزه انجام گرفت تا ضمن بهره‌گیری از تنوع روایی، از تقلیل میدان پژوهش جلوگیری شود. دوم، تحلیل داده‌ها در فرایندی غیرخطی و رفت‌وبرگشتی، مبتنی بر مقایسه مستمر صورت پذیرفت تا الگوهای مفهومی کاملاً بر شواهد متنی متکی باشند. سوم، تمامی مراحل تصمیم‌گیری و منطق کدگذاری به‌طور نظام‌مند مستندسازی شد تا مسیر استدلال تحلیلی شفاف و تأییدپذیر باشد؛ در نهایت نیز، فرایند تحلیل تا دستیابی به اشباع نظری تداوم یافت. این رویکرد ترکیبی، اعتبار یافته‌ها را بر پایه تنوع داده‌ای، اتکای مداوم به متن و بازبینی چندمرحله‌ای استوار ساخته است.

فرایند تحلیل

تحلیل داده‌ها در این پژوهش با رویکرد نتنوگرافی و الگوی تحلیل مضمون چندسطحی انجام شد. در این فرایند، کپشن‌ها به‌عنوان واحدهای تحلیل، طی مسیر نظام‌مند کدگذاری اولیه، سازمان‌دهی مضامین و انتزاع در قالب سه محور کلان (هویتی، ارزشی و نمادین) بررسی شدند تا در نهایت به استخراج الگوهای گفتمانی (مانند رویکردهای ملی-هویتی و ارزشی-نظامی) منجر گردند. این تحلیل به‌صورت غیرخطی و رفت‌وبرگشتی صورت گرفت؛ به‌گونه‌ای که بازگشت مداوم به داده‌های خام و «مقایسه

مستمر»، ضمن تضمین انسجام مفهومی و دقت تفسیرها، امکان حرکت شفاف از خُرد-داده‌ها به سوی کلان-روایت‌ها را فراهم ساخت. تمامی این مراحل در قالب جداول مستندسازی تنظیم شد تا مسیر استنتاج پژوهشگر از سطح کد تا الگوهای کلان گفتمانی، شفاف و تأییدپذیر باشد.

حوزه پژوهش

حوزه این پژوهش در چارچوب مطالعات رسانه‌های اجتماعی و با رویکرد نتنوگرافی دیجیتال تعریف می‌شود و بر بررسی چگونگی تولید، بازنشر و سازمان‌یابی روایت‌های گفتمانی کاربران در اینستاگرام، در بستر یک رخداد بحرانی، تمرکز دارد. در این چارچوب، فضای مجازی صرفاً یک بستر انتقال پیام نیست، بلکه میدانی پویا و معنا ساز است که کاربران در آن تجربه‌ها، ارزش‌ها، هویت‌ها و برداشت‌های خود را از رخداد‌های جنگی و ملی بازنمایی می‌کنند. این پژوهش در تلاقی سه حوزه ارتباطات بحران و جنگ، هویت‌سازی و گفتمان‌های وطن‌محور در شبکه‌های اجتماعی و مطالعات فرهنگی و اجتماعی پلتفرم‌های دیجیتال قرار می‌گیرد؛ حوزه‌هایی که به ترتیب بر شکل‌گیری روایت‌های بحران، بر ساخت دلالت‌های هویتی و ملی و نقش پلتفرم‌ها در تولید معنا و سامان‌دهی کنش‌های ارتباطی کاربران تأکید دارند.

نمونه پژوهش

نمونه‌گیری در این پژوهش به‌روش هدفمند و با تمرکز بر کپشن‌های منتشرشده ذیل هشتگ «وطن» در بازه زمانی جنگ ۱۲ روزه انجام شد. معیارهای انتخاب شامل ارتباط مستقیم با موضوع جنگ و زمینه بحرانی، برخورداری از مضامین احساسی و دلالت‌های وطن‌محور و تعلق زمانی به دوره وقوع بحران بود. در این فرایند، هر کپشن به‌عنوان یک واحد معنایی مستقل و واحد تحلیل در نظر گرفته شد؛ بر این اساس، تنها پست‌های واجد محتوای متنی قابل تفسیر و مرتبط با میدان گفتمانی پژوهش، وارد فرایند تحلیل شدند. این نمونه، روایت‌های خودجوش کاربران در لحظه بحران را بازتاب می‌دهد و بستری برای واکاوی نحوه بروز و سازمان‌یابی کنش‌های گفتمانی آنان در فضای اینستاگرام فراهم می‌آورد.

یافته‌ها و تحلیل داده‌ها

این بخش به تبیین یافته‌های حاصل از تحلیل نتنوگرافیک کپشن‌های اینستاگرامی با هشتگ «وطن» در جریان جنگ ۱۲ روزه اختصاص دارد. تحلیل داده‌ها با بهره‌گیری

از رویکرد مضمون چندسطحی انجام شد تا با عبور از کدهای اولیه و سازمان‌دهی مضامین در قالب محورهای کلان، الگوهای گفتمانی حاکم شناسایی شوند. یافته‌ها نشان می‌دهد که کپشن‌های کاربران فراتر از واکنش‌های احساسی مقطعی، واجد ساختارهای معنایی منسجم، دلالت‌های هویتی و ارزش‌گذاری‌های نمادین هستند؛ از این‌رو، نتایج در ادامه به صورت مرحله‌مند و در پیوند با محورهای استخراج‌شده ارائه می‌شوند تا مسیر استنتاج از داده‌های خام به تفسیر نهایی، شفاف و تبیین‌پذیر باشد.

یافته‌های کپشن‌های اینستاگرام، هشتگ وطن

جدول ۱. هویت ملی و وطن‌دوستی

ردیف	متن کپشن	تحلیل (محورها)	الگوهای شناسایی‌شده
۱	بغلش کن... وطن را زنانه در آغوش بگیر	بازنمایی عاطفی وطن و تأکید بر محبت و تعلق نمادین	عاطفی- نمادین میهنی
۲	نمونه یک جوان وطن‌پرست	برجسته‌سازی هویت ارزشی نسل جوان و ارزش‌گذاری وطن‌پرستی	هویت نسلی وطن‌دوستانه
۳	وطن... تا پای جان برایت ایستاده‌ایم	تقویت همبستگی ملی از طریق ایثار و جان‌فشانی	ایثار و مقاومت ملی
۴	این خاک فقط یه تیکه زمین نیست... ریشه‌مونه	تعریف هویت ملی از طریق خاک، اصالت و تعلق سرزمینی	هویت سرزمینی و ریشه‌مندی
۵	وطنم ایران	اعلام صریح هویت ایرانی و افتخار ملی	تصریح هویت ملی
۶	الهی یه روز این پرچم کفنمون بشه	پیوند فرد با ملت در چارچوب فرهنگ شهادت و فداکاری	شهادت‌محوری میهنی
۷	ناخدا محبوبی...	بیان وفاداری و عشق به وطن	قهرمان‌محوری میهنی

در این کپشن‌ها، «وطن» صرفاً یک محدوده جغرافیایی نیست، بلکه به مثابه مفهومی عاطفی، نمادین و هویتی بازنمایی می‌شود که از طریق واژگانی مانند وطن، خاک، ایران و پرچم، احساس تعلق، عشق به سرزمین، افتخار ملی و فداکاری را برجسته می‌سازد. یافته‌ها نشان می‌دهد که در روایت‌های کاربران، وطن از یک مکان صرف به ارزشی جمعی و ریشه‌دار ارتقا یافته است؛ ارزشی که با بهره‌گیری از استعاره‌های نمادین همچون پرچم و خاک و نیز مفاهیم متعالی‌ای مانند ایثار و شهادت، به تعهدی مشترک و هویت‌ساز تبدیل می‌شود. در این میان، کاربران با پیوند دادن هویت فردی

به ریشه‌های تاریخی و تأکید بر ارزش‌هایی چون وطن‌دوستی و کنشگری نسل جوان، حس تعلق سرزمینی و همبستگی ملی را در بستر دیجیتال بازتولید و تقویت می‌کنند.

جدول ۲. ایستادگی و اقتدار

ردیف	متن کپشن	تحلیل (محورها)	الگوهای شناسایی شده
۱	دانش با ترور خاموش نمی‌شود	تداوم دانش و مقاومت علمی در برابر حذف و ترور	مقاومت علمی – هویت دانشی
۲	گر پدر رفت تفنگ پدری هست هنوز	تداوم نسلی مقاومت و انتقال میراث مبارزه	تداوم نسلی مقاومت – روایت حماسی
۳	تو مرگ را خواهی داشت، بنگر برای چه می‌میری	معنابخشی ارزشی به مرگ در چارچوب آرمان و مقاومت	معناگرایی مرگ و شهادت
۴	ما ایستاده‌ایم	تأکید بر ایستادگی و همبستگی جمعی	مقاومت جمعی – همبستگی ملی
۵	زننده باد جمهوری اسلامی	پیوند مقاومت با هویت سیاسی و حمایت از نظام سیاسی	هویت سیاسی – بسیج‌گری گفتمانی
۶	سَنَاقَم	بیان اراده انتقام و پاسخ متقابل در گفتمان مقاومت	واکنش انتقامی – گفتمان مقابله
۷	اشاره به قدرت نظامی، آزمایش تسلیحاتی، نابودی پادگان	نمایش اقتدار و بازدارندگی از طریق قدرت نظامی	اقتدار نظامی – بازدارندگی ملی
۸	به هرجای این خاک... رضای مرادی	پیوند مقاومت با هویت ملی و یادمان‌های فردی/قهرمانانه	شهیدمحوری – تداوم آینده‌نگر مقاومت

در این کپشن‌ها، مفاهیم مقاومت، ایستادگی و اقتدار ملی به گونه‌ای برجسته بازنمایی می‌شوند و مقاومت نه فقط به معنای کنش نظامی، بلکه به مثابه مفهومی چندلایه در قالب‌هایی مانند مقاومت علمی، تداوم نسلی، پایداری ارزشی و میراث مبارزه معنا می‌یابد. استفاده از عبارات کوتاه و حماسی و شکل‌گیری گفتمان «ما»، بر استمرار مبارزه، وفاداری، همبستگی جمعی و توان دفاعی تأکید کرده و پیوندی معنادار میان هویت ملی، اقتدار و بازدارندگی برقرار می‌کند. در مجموع، مقاومت در روایت کاربران صرفاً کنشی و واکنشی نیست، بلکه رویکردی راهبردی برای تقویت انسجام اجتماعی، تداوم ارزش‌های مشترک و تحکیم هویت جمعی مقاوم و مقتدر، به‌ویژه در شرایط بحرانی، محسوب می‌شود.

جدول ۳. شهادت، ایثار و فداکاری

ردیف	متن کپشن	تحلیل (محورها)	الگوهای شناسایی شده
۱	اولین شهید هیئت حضرت بقیه‌الله الاعظم (عج)	قدسی سازی شهادت در چارچوب‌های مذهبی و آیینی	شهادت آیینی - هویت مذهبی
۲	افسوس که جا مانده منم	حسرت جاماندگی و آرزومندی برای شهادت	حسرت جاماندگی - آرزومندی شهادت
۳	پارسا شهید شد	بازنمایی هویت فردی در قالب شهید	شهید محوری - بازنمایی فرد قهرمان
۴	تقدیم به روح بزرگ شهدا	تکریم و بزرگداشت مقام شهدا	تکریم و بزرگداشت شهدا
۵	دیدار با خانواده شهید لازار	ارج گذاری به خانواده شهدا و تداوم پیوند اجتماعی با آنان	تکریم خانواده شهدا - پیوند اجتماعی ایثار
۶	دانش با ترور خاموش نمی‌شود	پیوند دانش و علم با فرهنگ شهادت	شهادت علمی - مقاومت دانشی
۷	اولین شهید هیئت حضرت بقیه‌الله	برجسته سازی نقش هیئت‌ها و نهادهای مذهبی در بازتولید فرهنگ شهادت	نهاد مذهبی - بازتولید فرهنگ شهادت
۸	پارسا منصور، پسر ایران	پیوند هویت ملی با شخصیت شهید (قهرمان ملی)	شهید به مثابه قهرمان ملی
۹	تقدیم به روح بزرگ شهدا...	تداوم یاد و بزرگداشت شهدا در حافظه جمعی	حافظه جمعی - تداوم یاد شهدا

در این کپشن‌ها، مفاهیم شهادت، ایثار و فداکاری در قالبی فراتر از سوگواری صرف بازنمایی می‌شوند و «شهید» نه فقط به عنوان فردی از دست رفته، بلکه به مثابه نمادی قدسی، هویتی و الهام بخش تصویر می‌شود که با فداکاری خود به آرمان‌های جمعی معنا می‌بخشد و زمینه ساز انسجام اجتماعی می‌شود. یافته‌ها نشان می‌دهد که پیوند مفاهیم دینی و ملی در این گفتمان، شهادت را به بالاترین مرتبه ایثار و امتیازی معنوی ارتقا داده است؛ امری که در مضامینی چون تکریم شهدا، حسرت جاماندگی، افتخار به راه آنان و تأکید بر تداوم مسیرشان نمود می‌یابد. همچنین بازنمایی شهادت در چارچوبی آیینی و ارزشی، و پیوند دادن آن با عرصه‌هایی مانند علم و مقاومت، به تقویت حافظه جمعی، بازتولید ارزش‌های ایثار و فداکاری و استمرار هویت جمعی در بستر اجتماعی و فرهنگی کمک می‌کند.

جدول ۴. مرزبندی اخلاقی و وفاداری به وطن

ردیف	متن کپشن	تحلیل (محورها)	الگوهای شناسایی شده
۱	گاهی سکوت فقط سکوت نیست... مقدمه خیانت	بازتعریف سکوت به عنوان کنشی مسئله‌دار و زمینه‌ساز خیانت	سکوت مسئله‌دار - خیانت پنهان
۲	اگر نمی‌جنگی... حداقل نان این خاک را نخور	پیوند تعلق به وطن با مسئولیت و کنش میهنی	مسئولیت میهنی - تعهد به خاک
۳	برخی با سکوت، طمع و سازش به ایران خنجر می‌زنند.	افشای تهدیدهای درونی و نقد سازش و منفعت‌طلبی در برابر منافع ملی	دشمن درونی - سازش و منفعت‌طلبی

در این کپشن‌ها، نوعی مرزبندی اخلاقی و هنجاری میان افراد و گروه‌ها شکل می‌گیرد که در آن هویت، صرفاً به تعلق به وطن محدود نمی‌شود، بلکه به موضع‌گیری و کنش در شرایط بحران نیز وابسته است. مفاهیمی مانند سکوت، جنگیدن و نان این خاک، بار نمادین و ارزشی پیدا می‌کنند و بی‌طرفی اغلب نه به عنوان رفتاری خنثی، بلکه به مثابه نشانه‌ای از همراهی با تهدید یا حتی خیانت بازنمایی می‌شود. یافته‌ها نشان می‌دهد که گفتمان کاربران از سطح احساسات میهنی فراتر رفته و به نوعی الزام اخلاقی برای اعلام موضع و ایفای مسئولیت فردی در قبال سرزمین تبدیل شده است. در این چارچوب، با بهره‌گیری از زبان هشداردهنده و طردکننده، مرزهای هنجاری روشنی میان وفاداری و سازش‌گری ترسیم می‌شود و هم‌زمان، از طریق تقبیح کنشگران منفعل یا سازش‌کار، انسجام، همبستگی و هم‌مرزی درون‌گروهی در بستر دیجیتال تقویت می‌شود.

جدول ۵. همبستگی و وحدت اجتماعی

ردیف	متن کپشن	تحلیل (محورها)	الگوهای شناسایی شده
۱	در جهانی که ما را پاره‌پاره می‌کنند... قلب‌ها ما را پیوند داده	تبدیل تهدید و گسست بیرونی به عامل تقویت همبستگی و پیوند عاطفی در جامعه	همبستگی عاطفی در برابر تهدید
۲	هم‌وطن، هم‌دل، همسایه	تأکید بر هویت جمعی رابطه‌محور از طریق همدلی، همجواری و تجربه زیست مشترک	هویت جمعی رابطه‌محور
۳	روایت ناهید خانم (هم‌وطن مسیحی)	برجسته‌سازی شمول ملی و پذیرش تنوع مذهبی در چارچوب هویت مشترک ایرانی	شمول ملی و تنوع مذهبی

در این کپشن‌ها، مفهوم همبستگی اجتماعی در شرایط بحران و تهدید به گونه‌ای برجسته بازنمایی می‌شود که در آن جامعه به مثابه پیکره‌ای واحد، همدل و پیوندخورده از طریق احساسات مشترک و تعلق ملی تصویر می‌شود. استفاده از واژگانی مانند قلب، هم‌وطن و همدل، نشان‌دهنده تلاش برای تقویت هویت جمعی فراگیر است و اشاره به افرادی با پیشینه‌های متفاوت، مانند یک هم‌وطن مسیحی، بر شمول ملی و پذیرش تنوع در چارچوب وحدت اجتماعی تأکید دارد. یافته‌ها نشان می‌دهد که گفتمان کاربران در این بخش، برخلاف مرزبندی‌های پردکننده، بر تحکیم پیوندهای اجتماعی، مدارا و پذیرش تفاوت‌ها متمرکز است و تهدید بیرونی را نه عامل گسست، بلکه محرکی برای تقویت انسجام عاطفی و ملی بازنمایی می‌کند. در مجموع، این کپشن‌ها با بهره‌گیری از زبانی همدلانه و روایت‌های شخصی، هویت جمعی را به مثابه شبکه‌ای از پیوندهای مبتنی بر هم‌سرنوشتی، همدلی و وحدت ملی در بستر بحران بازتولید و تقویت می‌کنند.

جدول ۶. بحران و قهرمان‌سازی در هویت جمعی

ردیف	متن کپشن	تحلیل (محورها)	الگوهای شناسایی شده
۱	موشک، انفجار، ترکش در کوچه‌ای از تهران	واقعی سازی بحران؛ ورود تهدید به فضای روزمره و شهری؛ آسیب‌پذیری مشترک.	بحران شهری؛ واقعیت میدانی.
۲	خانه جراحی دید اما دل آباد شد	دوگانه‌سازی آسیب مادی و استحکام معنوی؛ تفسیر رنج در قالب تاب‌آوری و امید؛ بازتفسیر رنج به عنوان قدرت درونی.	تاب‌آوری معنوی؛ استحکام درونی.
۳	این مظلومیت را هیچ وقت فراموش نکنید	حافظه‌سازی فعال؛ دعوت به یادسپاری تاریخی؛ مظلومیت به عنوان ابزار تثبیت روایت جمعی.	حافظه جمعی؛ ضرورت یادآوری.
۴	قهرمان واقعی	قهرمان‌سازی؛ برجسته‌سازی چهره‌های نمونه و الگووار؛ معرفی الگوی ملی.	قهرمان‌سازی؛ الگووارگی.
۵	رشادت و شجاعت	برجسته‌سازی فضایل اخلاقی؛ ستایش کنش‌های قهرمانانه.	فضیلت‌گرایی؛ ستایش قهرمانانه.

۶	قدردانی از شهدای امدادگر	گسترش مفهوم قهرمانی (فراتر از کنش نظامی)؛ برجسته‌سازی ایثار و خدمت‌رسانی؛ ساخت حافظه حماسی.	قهرمانی خدمت‌محور؛ ایثار اجتماعی.
۷	نمونه یک جوان وطن‌پرست	قهرمان‌سازی؛ الگوسازی ملی؛ بازنمایی ارزش وطن‌پرستی.	الگوی وطن‌دوستی؛ قهرمان نسل جوان.
۸	یکی از ماندگارترین قالب‌های اردوی روایت‌گمشده	اهمیت تصویر و روایت در حافظه‌سازی؛ تثبیت و ماندگاری خاطره؛ رسانه به عنوان عامل انتخاب و برجسته‌سازی.	حافظه تصویری؛ ماندگاری روایت.
۹	عاشقان را سرشوریده...	پیوند قهرمانی با شور و اشتیاق؛ بازنمایی جنبه عاطفی و حماسی در هویت ملی.	شور ملی؛ اشتیاق حماسی.
۱۰	شرافت و اصالت... (پست واشقانی)	پیوند قهرمان‌سازی با فضایل اخلاقی و فرهنگی؛ تبدیل قهرمان به الگوی رفتاری و هنجاری؛ بازتعریف ارزش‌هایی چون نجابت و اصالت	فضایل اخلاقی؛ اصالت هویتی.

در این کپشن‌ها، بحران، رنج جمعی، حافظه‌سازی و قهرمان‌پردازی به صورت هم‌زمان بازنمایی می‌شوند و بحران صرفاً به عنوان رخدادی تلخ و گذرا تصویر نمی‌شود، بلکه به بستری برای تولید معنا و شکل‌گیری روایت مشترک جمعی تبدیل می‌شود. یافته‌ها نشان می‌دهد که کاربران با پیوند زدن بحران به زیست‌جهان روزمره، مانند کوچه و خیابان، تهدید را امری ملموس، همگانی و نزدیک بازنمایی می‌کنند؛ رویکردی که ضمن تقویت انسجام عاطفی، زمینه را برای معنابخشی به رنج و شکل‌گیری حافظه جمعی فراهم می‌سازد. در این فرایند، تجربه آسیب و فقدان با نوعی ثبات معنوی و ارزشی بازتعریف می‌شود و از دل آن، چهره‌هایی قهرمانانه و الگووار، همچون شهدای امدادگر و جوانان، برجسته می‌شوند تا فضایل اخلاقی و فرهنگی در قالبی عینی و الهام‌بخش بازتولید شوند. در مجموع، این گفتمان از طریق ترکیب ملموس‌سازی بحران، حافظه‌سازی تاریخی و قهرمان‌پردازی، به تقویت هویت جمعی و بازتولید ارزش‌های حماسی در سطحی عاطفی، نمادین و تاریخی یاری می‌رساند.

یافته‌های کپشن‌های اینستاگرام، هشتگ ایران

جدول ۷. هویت ملی و میهنی

ردیف	متن کپشن	تحلیل (محورها)	الگوهای شناسایی شده
۱	اسم قشنگیه ایران	بیان زیبایی و ارزش نمادین نام ایران	برجسته‌سازی ارزش نمادین و زیبایی نام ایران
۲	ایران	تأکید بر نام ایران به عنوان نشانه هویت ملی	تأکید و برجسته‌سازی نام ایران به عنوان دال مرکزی هویت ملی
۳	کوتاه‌ترین سخنرانی: یا سرزمین مادری یا مرگ	فداکاری و آمادگی برای جان‌فشانی برای وطن	آمادگی برای فداکاری و جان‌فشانی در راه وطن
۴	چو ایران نباشد تن من مباد	وفاداری مطلق به وطن	وفاداری مطلق و پیوند وجودی با ایران
۵	ایران من	بیان تعلق شخصی و عاطفی به ایران	بیان تعلق عاطفی و شخصی به وطن
۶	شاید از خونه شاکی باشیم ولی خاکمون نه	تمایز میان نارضایتی از شرایط و تعلق به وطن	تفکیک نارضایتی از وضعیت با وفاداری به خاک و وطن
۷	من یک ایرانی‌ام	تصریح هویت ملی فردی	تصریح و اعلام هویت ملی فردی
۸	ایران	تکرار نام ایران برای برجسته‌سازی هویت جمعی	بازنمایی و برجسته‌سازی نام ایران در گفتمان هویتی
۹	ایران همیشه ایران می‌ماند	تأکید بر پایداری و تداوم هویت ملی	تأکید بر پایداری و تداوم هویت ملی ایران
۱۰	موضع من ایران است چه به نام چه به ننگ	وفاداری به ایران فارغ از شرایط یا قضاوت‌ها	موضع‌گیری هویتی و وفاداری به ایران در هر شرایطی
۱۱	این سرافرازی همینجوری به دست نیامده	تأکید بر هزینه‌مندی عزت و سربلندی ملی	تأکید بر هزینه‌مندی و تاریخ‌مندی عزت و سربلندی ملی
۱۲	شروعش با ما نبود اما ماندن پای ایران با ماست	تداوم مسئولیت نسلی در دفاع و وفاداری به وطن	بازنمایی مسئولیت نسل حاضر در حفظ و تداوم ایران
۱۳	به نام وطن برای وطن	تقدم وطن به عنوان هدف و انگیزه کش جمعی	قرار دادن وطن به عنوان هدف و انگیزه اصلی کش
۱۴	همه با هم زنده‌باد ایران	همبستگی ملی و دعوت به اتحاد جمعی	دعوت به همبستگی و اتحاد ملی
۱۵	همه برای ایران	بسیج جمعی حول محور ایران	بسیج جمعی حول محور ایران



۱۶	شرفم مهم‌تر از جانم...	پیوند شرافت فردی با وفاداری به ایران	پیوند شرافت فردی با وفاداری به وطن
۱۸	به هرجای این خاک... رضای مرادی	تقدیس خاک وطن و ارجاع به چهره/ نماد وطن‌پرست	تقدیس خاک وطن و ارجاع به نمادهای فداکاری ملی
۱۹	نمونه یک جوان وطن‌پرست	الگوسازی از جوان وطن‌دوست و بازنمایی وطن‌پرستی به مثابه فضیلت	الگوسازی از کنشگر وطن‌دوست
۲۰	عاشقان را سرشوریده...	عاطفه‌مندی عاشقانه نسبت به وطن	بازنمایی وطن‌دوستی در قالب عاطفه و شور عاشقانه
۲۱	شرافت و اصالت... (پست و اشقانی)	پیوند وطن‌دوستی با ارزش‌های اخلاقی مانند شرافت و اصالت	پیوند وطن‌دوستی با ارزش‌های اخلاقی مانند شرافت و اصالت
۲۲	هستیم بر آن عهد...	پایداری بر عهد و پیمان ملی	تأکید بر پایداری بر عهد و تعهد ملی
۲۳	شاید از خونه شاکی باشیم ولی خاک نه	تفکیک نقد وضعیت موجود از وفاداری به خاک وطن	تفکیک نقد وضعیت از وفاداری به خاک وطن

در این کپشن‌ها، هویت ملی و میهنی به صورت برجسته بازنمایی می‌شود و مفاهیمی چون تعلق به ایران، عشق به وطن، افتخار ملی، وفاداری، شرافت و ایثار در کانون معنا قرار می‌گیرند. در این گفتمان، ایران صرفاً یک واحد جغرافیایی نیست، بلکه نشانه‌ای هویتی، عاطفی و ارزشی است که افراد از طریق آن خود را تعریف می‌کنند و پیوند خود با سرزمین را معنا می‌بخشند. عناصری مانند خاک، وطن، عهد، شرف، جان و جوان وطن‌پرست نیز به نمادهای اصلی این روایت تبدیل شده‌اند و نشان می‌دهند که این کپشن‌ها حامل گفتمان تعلق، وفاداری و مسئولیت‌پذیری ملی هستند. یافته‌ها همچنین حاکی از آن است که «ایران» دال مرکزی گفتمان کاربران است و مفاهیمی مانند وفاداری، ایثار و غرور ملی پیرامون آن سازمان می‌یابند؛ به گونه‌ای که هویت ایرانی در سطوح هویتی، ارزشی و نمادین بازنمایی می‌شود و حتی در کنار نقد شرایط، پیوندی ناگسستگی میان فرد و سرزمین برقرار می‌ماند. در مجموع، ایران در این کپشن‌ها به مثابه خانه‌ای عاطفی و نمادین، نقطه ثقل بازتولید حس تعلق، همبستگی و غرور ملی در بستر بحران عمل می‌کند.



جدول ۸. همبستگی اجتماعی و کنش جمعی

ردیف	متن کپشن	تحلیل (محورها)	الگوهای شناسایی شده
۱	این مردم داغ دارن	بازنمایی رنج و سوگ جمعی مردم	بازنمایی داغ و سوگ جمعی مردم
۲	همه تو ایران پشت همن	تأکید بر همبستگی و حمایت متقابل میان مردم	تأکید بر همبستگی و پشت هم بودن اجتماعی
۳	بفرست برای اون دوست وطن پرست...	دعوت به مشارکت و بازنشر پیام در شبکه اجتماعی	ترغیب به بازنشر پیام و مشارکت کاربران در شبکه اجتماعی
۴	استقبال داریم تا استقبال...	فراخوان به حضور و مشارکت جمعی	دعوت به مشارکت و حضور جمعی
۵	این مردم داغ دارن	بازنمایی داغ و اندوه به عنوان تجربه مشترک اجتماعی	تکرار و برجسته سازی تجربه رنج و اندوه مشترک
۶	ورای هر حکومت و حزب و مذهبی	تأکید بر وحدت اجتماعی فراتر از اختلافات سیاسی و مذهبی	تأکید بر وحدت فراتر از مرزبندی های سیاسی و مذهبی
۷	یه ملت وقتی زنده ست که دل هاش گره خورده باشه	تعریف حیات ملت از طریق همدلی و پیوند عاطفی میان مردم	تعریف ملت بر پایه پیوند عاطفی و همدلی اجتماعی
۸	هوشیار باشید... وقت دعوا نیست	دعوت به هوشیاری و پرهیز از اختلاف در شرایط حساس	دعوت به حفظ وحدت و پرهیز از اختلاف در شرایط بحران
۹	باغیرت ها پست را منتشر کنید	دعوت به کنش جمعی و انتشار پیام در فضای مجازی	فراخوان به کنش جمعی و انتشار پیام در فضای مجازی

در این کپشن ها، همبستگی اجتماعی و مشارکت جمعی به عنوان محور اصلی بازنمایی می شود و مردم به مثابه جمعی همدل، همراه و متکی بر حمایت متقابل تصویر می شوند که در شرایط بحران، سوگواری یا تهدید، از طریق احساس تعلق مشترک و تجربه های اجتماعی مشترک معنا می یابند. برخلاف گفتمان هایی که بیشتر بر تعلق به سرزمین و هویت ملی تأکید دارند، در اینجا مفاهیمی چون همدلی، اتحاد، همراهی و کنش جمعی در کانون قرار می گیرند و نشان می دهند که هویت جمعی علاوه بر پیوند با وطن، از خلال روابط اجتماعی و مشارکت های رسانه ای نیز بازتولید می شود. یافته ها حاکی از آن است که همبستگی اجتماعی در این داده ها در سه محور همدلی عاطفی، وحدت فراگیر و دعوت به کنش جمعی شکل می گیرد؛ به گونه ای که کاربران با برجسته سازی رنج مشترک و ضرورت اتحاد، ملت را به عنوان موجودیتی مبتنی بر پیوندهای حمایتی و مسئولیت جمعی ترسیم



می‌کنند. در مجموع، این کپشن‌ها با ترکیب زبان عاطفی و مشارکت در فضای مجازی، اینستاگرام را به بستری برای شکل‌گیری «ما»ی جمعی، بسیج عاطفی و تحکیم پیوندهای همبستگی ملی تبدیل می‌کنند.

جدول ۹. قهرمانی و شهادت

ردیف	متن کپشن	تحلیل (محورها)	الگوهای شناسایی شده
۱	اینجا ایران است... خون می‌دهند	بازنمایی فداکاری و جان‌فشانی برای وطن	برجسته‌سازی جان‌فشانی برای ایران
۲	وطن بسوزد و من بی‌خروش نباشم...	تأکید بر مسئولیت و واکنش فعال در دفاع از وطن	تأکید بر واکنش و مسئولیت فعال در دفاع از وطن
۳	ارتش فدای ملت	بازنمایی پیوند ارتش با مردم و ایثار در خدمت ملت	بازنمایی فداکاری نیروهای نظامی در خدمت ملت
۴	سرباز ایرانم...	تصریح هویت خادم و مدافع وطن	تصریح هویت فردی در مقام مدافع و سرباز ایران
۵	رشادت و شجاعت	برجسته‌سازی ارزش‌های قهرمانانه مانند شجاعت و دلاوری	برجسته‌سازی ویژگی‌های قهرمانانه مانند رشادت و شجاعت.
۶	قدردانی از شهدای امدادگر	تقدیر از ایثار و فداکاری امدادگران شهید	بزرگداشت و قدردانی از شهدا، به‌ویژه شهدای امدادگر

در این کپشن‌ها، مفاهیم ایثار، قهرمانی و شهادت به‌صورت برجسته بازنمایی می‌شوند و فداکاری، شجاعت و وفاداری به‌عنوان ارزش‌هایی ملی و گاه مذهبی در کانون معنا قرار می‌گیرند. در این گفتمان، افرادی چون شهدا، سربازان، امدادگران و دیگر قهرمانان به‌عنوان کنشگران ایثارگر معرفی می‌شوند و نشانه‌هایی مانند خون، شهید، قهرمان، ارتش و رشادت، بر اهمیت جان‌فشانی، مقاومت و خدمت به وطن به‌عنوان معیارهای اصلی ارزش اخلاقی و هویتی دلالت دارند. یافته‌ها همچنین نشان می‌دهد که کاربران با گسترش مفهوم قهرمانی به کنشگران غیررسمی و مردم عادی، این ارزش‌ها را از سطحی محدود به عرصه‌ای عمومی و اجتماعی ارتقا داده‌اند. در این چارچوب، ایثار با مؤلفه‌هایی چون تعهد، کنشگری فعال و دفاع از سرزمین پیوند می‌خورد و از طریق برجسته‌سازی فضایل اخلاقی همچون شجاعت و رشادت، به بازتولید فرهنگ وفاداری، مقاومت و هویت جمعی در بستر فضای مجازی یاری می‌رساند.



جدول ۱۰. مذهبی و آیینی

ردیف	متن کپشن	تحلیل (محورها)	الگوهای شناسایی شده
۱	به عشق ایران بنویس یا علی	پیوند هویت ملی با ارجاع مذهبی و طلب حمایت معنوی	پیوند هویت ملی با ارجاع مذهبی
۲	بسم الله	آغاز کنش یا سخن با اتکا به نام خدا و بیان توکل	آغاز سخن با ذکر دینی و توکل به خدا
۳	و خدایی داریم قدرت مندتر از همه	تأکید بر قدرت الهی به عنوان منبع امید و اتکا	تأکید بر قدرت و اتکای الهی
۴	اربعمین نماد قدرت...	بازنمایی مناسک دینی به عنوان نماد قدرت و همبستگی جمعی	بازنمایی مناسک دینی به عنوان نماد قدرت و همبستگی جمعی
۵	ای صاحب ذوالفقار وقت مدد است	توسل به امام علی به عنوان نماد یاری و عدالت	توسل به امام علی و طلب یاری معنوی
۶	لشکر علی ولی الله	بازنمایی هویت جمعی دینی در قالب پیروی از امام علی	بازنمایی هویت جمعی دینی در پیروی از امام علی
۷	تیغ علی با اهل خیر کار دارد	ارجاع نمادین به قدرت و عدالت علوی در مواجهه با دشمن	استفاده از نماد تاریخی - مذهبی برای بیان قدرت و مقابله با دشمن
۸	سلامی از آسمان در پناه امام هشتم	بیان پناهجویی و حمایت معنوی از طریق امام رضا	پناهجویی و طلب حمایت معنوی از امام رضا
۹	نصر من الله و فتح قریب	بیان امید به پیروزی با اتکا به وعده الهی	بیان امید به پیروزی و نصرت الهی
۱۰	اشهد...	تصریح ایمان و شهادت به باورهای دینی	تصریح ایمان و شهادت به باورهای دینی
۱۱	ما ملت امام حسینیم	تعریف هویت جمعی بر پایه الگوی عاشورایی و فرهنگ مقاومت	بازنمایی هویت جمعی بر پایه الگوی عاشورایی
۱۲	برای ما کربلا بیش از شهر، افق است	بازنمایی کربلا به عنوان نماد آرمان و افق هویتی	بازنمایی کربلا به عنوان نماد آرمان و افق هویتی
۱۳	به عشق ایران بنویس یا علی	ترکیب وطن دوستی با ارجاع مذهبی و طلب یاری معنوی	ترکیب وطن دوستی با توسل مذهبی

در این کپشن ها، مضامین مذهبی و آیینی به صورت برجسته بازنمایی می شوند و نشانه هایی چون دعا، توکل، توسل، نام های مقدس و ارجاع به چهره ها و مکان های مذهبی، نقش محوری در ساخت معنا دارند. این داده ها نشان می دهند که بازنمایی هویت جمعی در اینستاگرام، تنها بر پایه تعلق ملی شکل نمی گیرد، بلکه از پیوندی معنادار میان هویت دینی و احساس

تعلق جمعی نیز تغذیه می‌کند. یافته‌ها حاکی از آن است که گفتمان دینی در این کپشن‌ها در سه سطح اصلی عمل می‌کند: توکل به قدرت الهی به عنوان منبع امید، توسل به نمادهای مقدس به مثابه پناهگاه معنوی، و بازنمایی مناسک آیینی به منظور تقویت تجربه جمعی و همدلی اجتماعی. در مجموع، تعامل سازنده میان مؤلفه‌های دینی و میهنی، هویت ملی و مذهبی را در پیوندی دوجانبه و مکمل قرار می‌دهد و دین را به بستری برای معناسازی، حفظ امید و تحکیم همبستگی جمعی در مواجهه با شرایط بحرانی تبدیل می‌کند.

جدول ۱۱. مذهبی- سیاسی

ردیف	متن کپشن	تحلیل (محورها)	الگوهای شناسایی شده
۱	شک نکنید سیدعلی خامنه‌ای	اعتماد و تبعیت	اعتماد و تبعیت از رهبری
۲	... ای مرا جان و جهان... رهبر ارزنده من	ستایش و ارزش گذاری	ستایش، تمجید و دل بستگی عاطفی به رهبری
۳	نزدیک‌تر از نزدیک	صمیمیت و پیوند عاطفی	نزدیکی، صمیمیت و پیوند عاطفی با رهبری
۴	جانم به حضرت سیدعلی	سیاسی ایثار، وفاداری	دل بستگی عاطفی و تقدس بخشی به رهبری
۵	ما چو نخلیم...	عشق، فداکاری و تقدس بخشی	هویت جمعی، پایداری و ریشه داری
۶	کوری چشم دشمن... راه فقط راه علی	مقاومت و دشمن ستیزی	مقاومت، دشمن ستیزی و حقانیت مسیر رهبری

در این کپشن‌ها، پیوند میان مذهب، سیاست و رهبری به صورت برجسته بازنمایی می‌شود و مفاهیمی چون ولایت، وفاداری، اعتماد، مقاومت، ایثار و همبستگی جمعی در نسبت با جایگاه رهبر دینی- سیاسی معنا می‌یابند. این داده‌ها نشان می‌دهند که بخشی از بازنمایی هشتگ «ایران» در اینستاگرام در چارچوبی مذهبی- سیاسی شکل می‌گیرد که در آن رهبری نه صرفاً یک موقعیت سیاسی، بلکه نماد هدایت، اقتدار، اعتماد و انسجام جمعی تلقی می‌شود. همچنین استفاده از عباراتی مانند «شک نکنید سیدعلی خامنه‌ای»، «جانم به حضرت سیدعلی» و «راه فقط راه علی» بیانگر گفتمان وفاداری و شکل‌گیری پیوندی عاطفی و اعتقادی میان فرد، جامعه و رهبری است. یافته‌ها نیز حاکی از آن است که این کپشن‌ها بر سه محور اصلی وفاداری، اقتدار و مقاومت استوارند و با بهره‌گیری از استعاره‌هایی چون «نخل» برای القای ریشه داری و تاب‌آوری، نقش رهبری را در بسیج عاطفی، تقویت انسجام ایدئولوژیک و بازتولید پایداری جمعی در بستر هشتگ «ایران» برجسته می‌سازند.



تا روایت مجازی جنگ ۱۲ روزه مبتنی بر نتنوغرافی [...]۱

جدول ۱۲. انتقادی و انسانی

ردیف	متن کپشن	تحلیل (محورها)	الگوهای شناسایی شده
۱	این رسم کشور داری نیست آقای رئیس جمهور	نقد سیاسی و مطالبه گری مدنی	انتقاد از حاکمیت / مطالبه پاسخگویی
۲	انسانیت مرز ندارد	همدلی انسانی و فرامرزی	انسان گرایی فراملی
۳	ایران چیکارش می کنه	قدرت نمایی و واکنش ملی	توجه به نقش و واکنش ملی
۴	من زن ایرانی ام... وقت خطر قوی تر	هویت جنسیتی و مقاومت ملی	هویت ملی و توانمندسازی زنان
۵	دانش با ترور خاموش نمی شود	مقاومت فرهنگی و علمی	مقاومت علمی و نمادسازی از دانش
۶	یکی از ماندگارترین قاب های اردوی روایت گمشده	حافظه جمعی و روایت گری	روایت رسانه ای / مستندسازانه
۷	امیدوارم اگر کسی قرار است برود آن من باشم	حافظه جمعی و روایت گری	فداکاری و ایثار
۸	زبانم قاصر از غم رفتنت	سوگواری و فقدان شخصی/ جمعی	سوغ و اندوه جمعی
۹	داشتم بلندش می کردم... تابوت چرا سبک؟ فقط یک دست مانده...	سوگواری، فقدان جسمانی و روایت عاطفی از خشونت جنگ	تراژدی انسانی جنگ
۱۰	نسل سوخته... روایت شخصی جنگ	تجربه زیسته جنگ، آسیب نسلی و حافظه زخم خورده	تجربه زیسته جنگ
۱۱	ترس، بوی باروت، اضطراب...	بازنمایی حسی و روانی جنگ	توصیف عاطفی از فضای جنگ
۱۳	روایت جنگ ۱۲ روزه از زبان ساکنان تل آویو	روایت گری جنگ از منظر تجربه انسانی و شاهدان عینی	روایت شاهدان عینی
۱۴	Don't the people still need bread?	نقد انسانی جنگ و تأکید بر نیازهای اولیه مردم	دغدغه معیشت و پیامدهای انسانی جنگ
۱۵	انسانیت مرز ندارد	همدلی فرامرزی و اخلاق انسان دوستانه	انسان گرایی فراملی
۱۶	American people took the streets to support Iran	همبستگی بین المللی و حمایت فرامرزی	همبستگی بین المللی
۱۷	As bombs fall Iranians step up...	تاب آوری اجتماعی و کنش جمعی در بحران	مقاومت و همبستگی اجتماعی

۱۹	بعضی‌ها ما را سرزنش می‌کنند...	دفاع از خود، نقد قضاوت بیرونی و بازنمایی رنج جمعی	پاسخ به انتقاد اجتماعی
۲۰	جنگ بشه رهبر اولین نفر فرار می‌کنه	نقد سیاسی، بی‌اعتمادی و طعنه به اقتدار رسمی	بی‌اعتمادی سیاسی / انتقاد از رهبری

در این کپشن‌ها، بازنمایی ایران از منظر بحران، رنج، نقد سیاسی، تجربه‌های انسانی و جنگ صورت می‌گیرد و ایران نه فقط با مفاهیمی چون افتخار، تعلق یا هویت ملی، بلکه به عنوان میدانی از آسیب، فقدان، اضطراب، اعتراض، مقاومت و همدلی معنا می‌یابد. این داده‌ها نشان می‌دهند که کاربران، افزون بر روایت بحران، نوعی نقد، همدردی، شهادت‌دادن و بازخوانی اخلاقی از وضعیت جامعه ارائه می‌کنند و از این طریق، هویتی انتقادی و انسانی از ایران را در فضای مجازی بازتولید می‌سازند. یافته‌ها نیز حاکی از آن است که هشتگ «ایران» در این گفتمان بحران‌محور، ذیل محورهایی چون نقد سیاسی و مطالبه‌گری، تجربه انسانی فرامرزی، مقاومت ملی، سوگواری جمعی و روایت زیسته جنگ بازنمایی می‌شود؛ به گونه‌ای که ایران نه صرفاً یک هویت نمادین، بلکه عرصه‌ای برای تلاقی اعتراض، مسئولیت‌خواهی، رنج و تاب‌آوری جلوه می‌کند. در مجموع، تقابل میان زبان انتقادی و طعنه‌آمیز با روایت‌های عاطفی از ترس، فقدان، زن و خاطره، نشان می‌دهد که هویت ملی در این بستر تجربه‌ای متکثر و چندوجهی است که سوگ، همدلی و ایستادگی فرهنگی را در حافظه جمعی به هم پیوند می‌زند.

یافته‌های کپشن‌های اینستاگرام، هشتگ جنگ

جدول ۱۳. بازتاب جهانی ایران

ردیف	متن کپشن	تحلیل (محورها)	الگوهای شناسایی شده
۱	American people took the streets	حمایت مردمی و بین‌المللی.	حمایت مردمی و بین‌المللی
۲	خبرنگار برزیلی... «برو ایران»	توجه رسانه‌ای و بین‌المللی.	توجه رسانه‌ای و بین‌المللی
۳	Iran support watch	رصد حمایت‌های بین‌المللی	رصد و پایش حمایت‌های بین‌المللی

در این کپشن‌ها، حمایت بین‌المللی از ایران به گونه‌ای برجسته بازنمایی می‌شود

تا روایت مجازی جنگ ۱۲ روزه مبتنی بر نتنوگرافی [۱۰۰]

که در آن ایران از یک موضوع صرفاً ملی فراتر رفته و در عرصه‌ای فراملی و جهانی معنا می‌یابد. اشاره به حضور مردم در خیابان‌ها، بازتاب رسانه‌ای و توجه افکار عمومی جهان نشان می‌دهد که کاربران می‌کوشند ایران را در چارچوبی از همدلی، توجه و پشتیبانی فرامرزی تصویر کنند و از این طریق، بازتابی از هویت ملی را در نسبت با افکار عمومی بین‌المللی شکل دهند. یافته‌ها نیز حاکی از آن است که این گفتمان، ایران را از یک مسئله داخلی به سوژه‌ای جهانی تبدیل می‌کند و با تأکید بر همبستگی بین‌المللی و نقش میانجی‌گرانه رسانه‌ها، آن را در شبکه‌ای از مشروعیت نمادین و حمایت فرامرزی قرار می‌دهد. در مجموع، ایران در این کپشن‌ها به مثابه سوژه‌ای دارای ارزش اخلاقی و سیاسی در سپهر عمومی جهان بازنمایی می‌شود؛ امری که ضمن بازتعریف پیوند هویت ملی با حمایت‌های فراملی، به تقویت حس دیده‌شدن و به رسمیت شناخته‌شدن ایران در عرصه بین‌المللی می‌انجامد.

جدول ۱۴. تجربه زیسته شهروندان

ردیف	متن کپشن	تحلیل (محورها)	الگوهای شناسایی شده
۱	روایت ساکنان تل‌آویو	همدلی با رنج‌های انسانی طرف مقابل	نگاه انسانی به رنج طرف مقابل
۲	Israel strikes have killed	گزارش خبری از تلفات جنگ	گزارش پیامدهای مستقیم جنگ
۳	Israel vs Iran 12-day war	توصیف کلی از فضای درگیری نظامی	روایت کلی از درگیری نظامی
۴	دیشب غروب تهران بیرون بودم... صدا انفجار قطع نمی‌شد... همه جا دود، همه جا خاک	بازنمایی ترس و ناامنی در فضای شهر	تجربه ترس و ناامنی در شهر
۵	ما سه تا کنار هم اما با دلی پر از ترس... صدای بمب‌ها نه فقط آسمون که دل‌هامون رو هم لرزونند	تجربه عاطفی و اضطراب جمعی	اضطراب جمعی در شرایط بحران
۶	این و پست می‌کنم تا یادم نره از چه روزهایی گذر کردیم... ما دیگه آدم‌های سابق نمی‌شیم	ثبت ماندگار تغییرات روحی و روانی	ثبت اثرات روانی و ماندگار جنگ
۷	از مردن نمی‌ترسم، از دست دادن عزیزانم می‌ترسم	اولویت عاطفی و ارزش خانواده در شرایط خطر	اهمیت خانواده و عزیزان در موقعیت خطر



در این کپشن‌ها، ایران در بستر جنگ و بحران به مثابه سرزمینی درگیر تهدید، فقدان و اضطراب بازنمایی می‌شود که با وجود این، همچنان واجد حافظه جمعی، تاب‌آوری و ظرفیت مقاومت است. یافته‌ها نشان می‌دهد که این بازنمایی‌ها با ترکیب دو سطح خبری-روایی و عاطفی-زیسته، اینستاگرام را به عرصه‌ای برای ثبت هم‌زمان تجربه‌های فردی و جمعی تبدیل کرده‌اند؛ به گونه‌ای که گزارش‌های نظامی و روایت‌های مرتبط با بحران، با تجربه‌های ذهنی و روزمره شهروندان از ترس، آسیب روانی و ناامنی درهم می‌آمیزند. در این روایت‌ها، جنگ به عنوان تجربه‌ای چندوجهی و زیسته تصویر می‌شود که از بازتاب خبری بحران تا درونی‌سازی اضطراب روانی امتداد می‌یابد و شهر را به فضایی ناامن و تهدیدآمیز بدل می‌سازد. با این حال، برجسته شدن خانواده و روابط عاطفی در دل این وضعیت، بستری برای همبستگی و مقاومت عاطفی فراهم می‌کند. در مجموع، این کپشن‌ها «ایران بحران‌زده» را نه فقط در موقعیت ترس و فقدان، بلکه به عنوان عرصه‌ای برای شکل‌گیری حافظه جمعی، ایستادگی روانی و ارتقای رنج فردی به تجربه‌ای از همبستگی اجتماعی بازنمایی می‌کنند.

جدول ۱۵. تعلق عاطفی و هویت ملی

ردیف	متن کپشن	تحلیل (محورها)	الگوهای شناسایی شده
۱	My love for Iran...	عشق و تعلق عاطفی به ایران	تعلق عاطفی به ایران
۲	برای اون خاطره‌ها میزنه قلبم	پیوند خاطره با احساس ملی	پیوند خاطره و هویت ملی
۳	دور از تو دامن پاکت دست دگران	دلتنگی و نگرانی نسبت به وطن	وطن به مثابه پناهگاه عاطفی
۴	مردم ایران تو هر موقعیتی	تأکید بر همبستگی و پایداری مردم ایران	پایداری و همراهی مردم ایران
۵	ایرانم وطنم طاقت بیار مادر	تصویرسازی از ایران به عنوان مادر و وطن رنج‌دیده	ایران به مثابه مادر رنج‌دیده
۶	به امید پیروزی وطنم	امید به آینده و عبور از بحران	امید و آینده‌نگری ملی
۷	غیرت ایرانی دلیل این کارشون، سلام نظامی به پرچم داخل ورزشگاه فقط به خاطر دوران جنگ بود...	احترام به پرچم و یادآوری حافظه جنگ	پیوند پرچم، غیرت و حافظه جنگ

در این کپشن‌ها، تعلق عاطفی به ایران، وفاداری ملی، خاطره، دلتنگی، امید و پایداری به صورت برجسته بازنمایی می‌شود و ایران نه فقط یک سرزمین جغرافیایی، بلکه نشانه‌ای احساسی، هویتی و ارزشی تصویر می‌شود که با مفاهیمی چون وطن، مادر، پرچم، مردم، عشق و امید پیوند می‌خورد. این داده‌ها نشان می‌دهند که هویت ملی در اینستاگرام تنها از رهگذر مفاهیم سیاسی و تاریخی شکل نمی‌گیرد، بلکه از خلال احساسات روزمره، خاطرات، نگرانی‌ها و امیدهای کاربران نیز ساخته و بازتولید می‌شود. در این گفتمان، وطن گاه در قالب مادر، معشوق، پناهگاه، پرچم یا خاطره‌ای تاریخی بازنمایی می‌شود و از این طریق، ریشه‌های عاطفی، خانوادگی، تاریخی و جمعی تعلق ملی برجسته می‌گردد. یافته‌ها همچنین حاکی از شکل‌گیری نوعی «ملی‌گرایی احساسی» است که در آن ایران به مثابه پناهگاهی عاطفی و نمادی از مادری، خاطره و امید معنا می‌یابد؛ به گونه‌ای که کاربران با پیوند دادن وفاداری‌های فردی و حافظه تاریخی به ارزش‌هایی چون پایداری، غیرت و همبستگی، بحران موجود را در بستری از استمرار هویت ملی قرار می‌دهند و ایران را به عنوان کانون پیوند، امید و ایستادگی جمعی بازتولید می‌کنند.

جدول ۱۶. انکای معنوی

ردیف	متن کپشن	تحلیل (محورها)	الگوهای شناسایی شده
۱	نرسید من با شما هستم و همه چیز را می‌بینم و می‌شنوم	ایجاد آرامش و امنیت روانی از طریق پیام حمایتی و تأکید بر حضور و مراقبت	آرامش بخشی از طریق پیام حمایتی و احساس همراهی
۲	قال لا تخافا انی معکما اسمع واری	تولید آرامش و اعتماد از طریق ارجاع دینی و تأکید بر حمایت و نظارت الهی در شرایط بحران	آرامش بخشی از طریق ارجاع دینی و اعتماد به حمایت الهی

در این کپشن‌ها، مفاهیم امنیت روانی، آرامش، حمایت و اعتماد در شرایط جنگ و بحران به گونه‌ای برجسته بازنمایی می‌شوند و برخلاف روایت‌هایی که بر ترس و تهدید تمرکز دارند، این متن‌ها می‌کوشند با بهره‌گیری از زبان حمایتی، عاطفی و معنوی، احساس اضطراب را کاهش داده و به مخاطب اطمینان خاطر ببخشند. در این گفتمان، ایران به مثابه جامعه‌ای در معرض بحران تصویر می‌شود که برای عبور از شرایط دشوار، بیش از هر چیز به اعتماد، حمایت جمعی، ایمان و آرامش روانی نیاز دارد؛ از این رو تمرکز اصلی نه صرفاً بر خود بحران، بلکه بر شیوه مواجهه روانی و معنوی با آن قرار می‌گیرد. یافته‌ها نیز نشان می‌دهد که گفتمان حمایتی در این کپشن‌ها با هدف

تولید امنیت روانی و گذار از اضطراب به توکل و اطمینان شکل می‌گیرد و پیام‌ها، چه در قالب خطاب‌های همدلانه و چه از طریق استناد به آموزه‌های دینی، با تکیه بر مفهوم حضور مراقب و ناظر، به کاهش احساس تنهایی و تقویت حس پشتیبانی در جامعه کمک می‌کنند. در مجموع، این کپشن‌ها فراتر از بازنمایی خشونت و بحران، با استفاده از زبان تسلی‌بخش و معنوی، سازوکارهای مقاومت روانی و همبستگی عاطفی را در مواجهه با شرایط بحرانی جنگ سازمان‌دهی و تقویت می‌کنند.

نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش نشان داد که هشتگ «وطن» در اینستاگرام دوره جنگ دوازده‌روزه، صرفاً نشانگر موضوعی نبود، بلکه به کانونی برای معناسازی جمعی بدل شد که در آن تجربه بحران، عواطف عمومی و تعلق ملی بازتولید می‌شد. کاربران از طریق کپشن‌ها و الگوهای تعامل، وضعیت ناامنی را نه فقط گزارش، بلکه در قالبی شبکه‌ای روایت کردند که ترس، سوگ و همبستگی را در پیوند با یکدیگر سامان می‌داد. این یافته با درک نوین از نتوگرافی به‌عنوان روش‌شناسی پژوهش کیفی در رسانه‌های اجتماعی هم‌سو است (Kozinets, 2020).

در سطحی عمیق‌تر، روایت‌های هشتگ «وطن» واجد ماهیتی عاطفه‌محور و هویت‌ساز هستند. کاربران بحران را از خلال زبان احساس و خاطره معنا کرده و «وطن» را به‌مثابه دالی مرکزی برای گردآوری عواطف پراکنده و سازماندهی آن‌ها در افقی از مقاومت به‌کار گرفتند؛ الگویی که با مطالعات جدید درباره نقش شبکه‌های اجتماعی در شکل‌دهی به عواطف عمومی سازگار است (Mishra & Moody, 2025). همچنین، هویت ملی در این فضا به‌صورت امری ثابت بازنمایی نشد، بلکه پیوسته در فرایندهای روایت‌پردازی دیجیتال بازتعریف گردید (Galvano, 2019).

یافته‌ها تأیید کرد که منطق پلتفرمی اینستاگرام نقشی تعیین‌کننده در این روایت‌ها دارد؛ به‌گونه‌ای که آنچه درباره «وطن» تولید شد، حاصل تعامل میان کنش ارتباطی کاربران و معماری پلتفرم است (Kozinets, 2020). این تعاملات موجب تولید نوعی «اجتماع عاطفی دیجیتال» شد که در آن بحران، تجربه‌ای زیسته و مشارکتی بود، نه صرفاً رخدادی برای مشاهده (Mishra & Moody, 2025).

از منظر روش‌شناختی، نتوگرافی به‌خوبی امکان عبور از سطح آشکار محتوا به لایه‌های ضمنی و منطق تعامل را فراهم کرد (Kozinets, 2024). در نهایت، این پژوهش

تا روایت مجازی جنگ ۱۲ روزه مبتنی بر نئتوگرافی [...] |

نشان داد که «وطن» در میدان معنایی اینستاگرام از یک قلمرو جغرافیایی ایستا به سازه‌ای فرهنگی و پویا تبدیل شد. این روایت‌های مجازی با پیوند زدن تروماهای شخصی به آرمان‌های ملی، عملاً به تاریخ‌نگاری دیجیتالی دست زدند که در آن هویت ایرانی، پدیده‌ای «در حال شدن» و بازسازی‌شونده است. از این منظر، اینستاگرام در بحران، نه فقط رسانه، بلکه میدانی برای رقابت معنا و برساخت واقعیت اجتماعی بوده است.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.



منابع و مأخذ

- Adriaansen, R. - J., & Smit, R. (2025). Collective memory and social media. *Current Opinion in Psychology*. Doi: 10.1016/j.copsy.2025.102077
- Barassi, V., & Zamponi, L. (2020). Social media time, identity narratives and the construction of political biographies. *Social Movement Studies*, 19(5- 6), 592- 608. Doi: 10.1080/14742837.2020.1718489
- Baym, N. K. (2015). *Personal connections in the digital age* (2nd ed.). Polity.
- boyd, d. (2014). *It's complicated: The social lives of networked teens*. Yale University Press.
- Bruns, A., & Burgess, J. (2021). Twitter hashtags from ad hoc to calculated publics. In N. Rambukkana (Ed.), *Hashtag publics* (2nd ed.). Peter Lang.
- Carvalho, C. L., & Barbosa, B. (2023). Hashtag activism by brand lovers: A netnographic study. *International Journal of Sport Management and Marketing*, 23(1/2), 44- 61. Doi: 10.1504/IJSM.2023.130430
- Dobrin, D. (2020). The hashtag in digital activism: A cultural revolution. *Journal of Cultural Analysis and Social Change*, 5(1). Doi: 10.20897/jcasc/8298
- Finch, D. J., O'Reilly, N., Levallet, N., & Mikkelsen, A. (2023). A dynamic capabilities view of the NBA and esports. *International Journal of Sport Management and Marketing*, 23(1- 2), 62- 79. Doi: 10.1504/IJSM.2023.130430
- Galvano, F. (2019). *The virtual self: Navigating identity in the digital age*. [Publisher information missing]
- Kessler, M., Marino, F., & Liska, D. (2023). Netnographic research ethics in applied linguistics: A systematic review of data collection and reporting practices. *Research Methods in Applied Linguistics*, 2(3), 100082. Doi: 10.1016/j.rmal.2023.100082
- Kianpour, M., Triandafyllidou, A., Allen, T., & Mazrouei, S. (2026). Social media narratives, diasporic identity and collective memory. *Ethnicities*, 26(1). Doi: 10.1177/14687968251386072
- Kim, Y., Song, D., & Lee, Y. J. (2020). #Antivaccination on Instagram: A computational analysis of hashtag activism through photos and public responses. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 17(20), 7550. Doi: 10.3390/ijerph17207550
- Kozinets, R. V. (2020). *Netnography: The essential guide to qualitative social media research* (3rd ed.). SAGE Publications.
- Kozinets, R. V., Cavusoglu, L., & Belk, R. (2024). Transformative netnography: Combining representation, social media, and participatory action research. In *Proceedings of the Hawaii International Conference on System Sciences*. Doi: 10.24251/HICSS.2024.284
- Kuo, R., & Jackson, S. J. (2024). The political uses of memory: Instagram and Black- Asian solidarities. *Media, Culture & Society*, 46(1), 164- 186. Doi: 10.1177/01634437231185963
- La Rocca, G., & Boccia Artieri, G. (2022). Research using hashtags: A meta- synthesis. *Frontiers in Sociology*, 7, 1081603. Doi: 10.3389/fsoc.2022.1081603

- Mishra, S., Moody, M., & Vasquez, R. A. (2025). Black- owned business and passionate brand publics: A netnography of The Honey Pot Company PR crisis. *Public Relations Review*, 51(1).
- Naqibolsadat, S. R. (1404/2025). Challenges of cyber diplomacy in Iran. *Quarterly Journal of Virtual Space and Social Media*, 2(3), 55- 80. <https://doi.org/10.22083/cssms.2025.499627.1032>
- Öktem, B., & Kurt, M. (2026). The making of online Kurdistan: Redefining nationhood and belonging among Kurdish Generation Z. *Journal of Ethnic and Migration Studies*. Doi: 10.1080/1369183X.2026.2645367
- Papacharissi, Z. (2015). *Affective publics: Sentiment, technology, and politics*. Oxford University Press.
- Papacharissi, Z. (2020). *Affective publics: Sentiment, technology, and politics*. Oxford University Press.
- Pshenychnykh, A. (2026). Russia- Ukraine Telegram monument wars during the full- scale invasion. *International Journal of Heritage Studies*. Doi: 10.1080/13527258.2026.2642607
- Siddiqui, M. A. (2026). Beyond hashtags: Understanding the perceptions and impact of online feminism among young Instagram and Twitter users in the UAE. [Journal title missing], Volume, 296- 322. Doi: 10.1080/21534764.2026.2632041
- Tahamtan, I., Potnis, D., Mohammadi, E., Miller, L. E., & Singh, V. (2021). Framing of and attention to COVID- 19 on Twitter: Thematic analysis of hashtags. *Journal of Medical Internet Research*, 23(9), e30800. Doi: 10.2196/30800
- Ventura, S. (2024). War and its imagery: The visual narrative of the Ukrainian State's Instagram account Ukraine.ua as a tool of digital public diplomacy. *Place Branding and Public Diplomacy*, 20, 379- 403. Doi: 10.1080/1553118X.2024.2395407
- Yanchenko, K., & Humprecht, E. (2025). Strategic narratives on social media: How information environments shape the Russian- Ukrainian war discourse in seven European countries.



This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License.